

دادند مهتران لقبم انوری و لیک
چرخم همی چه خواند خاقان روزگار

و در بیت زیر انوری یکی از بزرگ‌ترین مشاهیر مرتبه‌ی اول خاوران دانسته شده است و به حق سزاوار این مرتبه است: [۵]

تا سپهرت صیت­گردان شد به خاک خاوران
تا شبانگاه آمدش چار آفتاب خاوری

مذهب انوری قاضی نورالله شوشتری بنا بر روشی که در کتاب مجالس‌المومنین دارد او را شیعه‌ی اثنا عشری (دوازده امامی) و پیرو مذهب جعفری دانسته است. گذشته از نظر شوشتری آنچه از بیشتر اشعار وی استنباط می‌شود این است که وی شافعی مذهب و پیرو اهل سنت و جماعت بوده چون در اشعارش مکرراً از خلفای چهارگانه یاد کرده و آنها را ستوده و از رافضی و خوارج بد گفته و بیزاری جسته است. احتمال اینکه وی از پیروان اهل سنت و جماعت بوده بیشتر است؛ اما در حقیقت وی به امیرالمؤمنین و خاندان مصطفی (ع) بیش از دیگران معتقد بوده است و شاید علی را بر دیگران برتر می‌نهاده است. [۶]

حوادث زندگی انوری از بعضی اشارات در شعر او دانسته می‌شود که او به بیماری نقرس دچار بوده و در قطعه­ای که در طلب شراب سروده است می‌گوید:

بزرگوارا دانی کز آفت نقرس
ز هر ترشی من بنده می­پرهیزم

بیماری نقرس بر طبق آنچه مشهور است، بیماری افراد مرفه و اشراف بوده است: [۷] سلطان سنجر هم دو بار به هنگام بیماری وی به ملاقاتش رفته است و این نکته نیز نشان‌دهنده‌ی دو چیز است یکی وضع مالی او که می‌توانسته است ترتیب چنین ملاقاتی را در منزل خویش فراهم کند و دیگر توجه بیش از حد پادشاهان مقتدری چون سلطان سنجر به او است. یکی دیگر از حوادث زندگی انوری اتهام به ساختن هجو مردم بلخ است؛ ماجرا از این قرار است که در قطعه‌ای طنزآمیز بسیار زیبا چهار شهر از شهرهای خراسان بزرگ (بلخ و مرو و نیشابور و... را) که گوینده‌ی آن، (کسی که این قطعه را سروده) مورد نقد و نظر قرار داده بود که عده‌ای از مردم این شهرها، انتشار این شعر را به انوری منسوب دانسته‌اند که این ماجرا باعث شد تا غوغایی در میان مردم بلخ برانگیزد و خشم آنها را شعله‌ور کند و شاعر را که اتفاقاً در آن زمان هم در بلخ بود مخفیانه گرفتند و پارچه‌ای بر سر او کشیدند و در شهر گرداندند و قصد کشتن او را داشتند: (این نوع شعر مصداق لغوی خویش را که شهر آشوب بود پیدا کرد) اما جمعی از بزرگان بلخ که دوستان و ممدوحان انوری بودند، از قبیل قاضی حمیدالدین بلخی (مؤلف مقامات حمیدی) و چند تن دیگر به حمایت از وی برخاستند و او نیز یکی از زیباترین قصاید خویش را که از شاهکارهای قصیده‌سرایی در تاریخ شعر زبان فارسی است در این باره سرود که به مطلع زیر شروع می­شود:

ای مسلمانان فغان از دور چرخ چنبری
وز نفاق تیر و قصد ماه و کید مشتری

که در آن موقع از چنین قطعه‌ای بهره جست و مردم بلخ را ستود تا از این مهلکه جان سالم به­برد؛ حقیقت امر هم همین بوده است که گوینده‌ی آن شعر انوری نبوده بلکه یکی از شاعران هم عصر او "فتوحی مروزی" بود که با انوری نوعی رقابت و معارضه داشته. [۸]

اتفاق دیگری که در زندگی انوری به­وجود آمد شایعه‌ای بود که بر سر همه‌ی زبان‌ها پیچید که به­زودی طوفانی در عالم روی خواهد داد که جهان را زیر و رو خواهد کرد؛ یکی از کسانی هم که در پیش‌بینی این واقعه از همگان بیشتر شهرت یافت و تقریباً قصه به نام او تمام شد، انوری بود، وی به­علت احاطه‌ای که بر ریاضی و نجوم و علم هیأت داشت، سخنش در میان مردم با اهمیتی بسیار تلقی شد و همه جا این داستان به نام او گره خورد. اما زمان تعیین­شده که سال ۵۸۲ هجری قمری بود فرا رسید و نه تنها هیچ اثری از آن طوفان مشاهده نشد بلکه برگه‌ی هم از درختان به پایین نیامد و این ماجرا باعث سرشکستگی انوری شد. [۹]

زبان شعر انوری انوری طبعی قوی و اندیشه‌ای مقتدر و مهارتی وافر در آوردن معانی دقیق و مشکل در کلام روان و نزدیک به لهجی مخاطب زمان خود داشت، و بزرگ‌ترین وجه اهمیت او در همین نکته‌ی اخیر یعنی استفاده از زبان محاوره است و او به این ترتیب تمام رسوم پیشینیان را در شعر در هم نوردیده و طریقه‌ای تازه در آن ابداع کرده است که علاوه بر مبتنی­بودن بر زبان مخاطب،

با رعایت سادگی کلام و آمیزش آن به لغات عربی و استفاده از اصطلاحات علمی و فلسفی و تشبیهات و استعارات بسیار همراه است. [۱۰] و گاهی به درجه‌ای از سادگی می‌رسد که گویی قسمت‌هایی از محاورات معمول خود را در شعر خود گنجانیده است و گاهی هم به دلیل تسلط کامل بر معانی دقیق و مشکل در همان حال که الفاظ روان دارد فهم آن چنان مشکل می‌شود که محتاج به شرح و توضیح فراوانی دارد.

به‌شاید؛ هر حال انوری بیشتر در قصیده و غزل و قطعه سرآمد شاعران ایران و از ارکان استوار شعر و ادب فارسی شد و به مرتبتی رسید که او را یکی از سه پیامبر شعر فارسی بدانند و بگویند:

در شعر سه تن پیغمبرانند
قولی است که جملگی برآند
فردوس و انوری و سعدی
هر چند که لا نبی بعدی [۱۱]

شیوه و سبک شاعری انوری از شعرای بزرگ پارسی است و در فن قصیده‌سازی و سرایی از اساتید بزرگ به‌شاید؛ شمار می‌رود. و چنان‌که فردوسی و سعدی در حماسه‌سازی و غزل‌سازی؛ گویی مشهور و مسلم نزد استادان فن‌اند؛ انوری هم در قصیده‌سازی؛ گویی پیش اکثر فضلا و شعرا در مرتبه‌سازی؛ اول جای دارد و او را پیشوای قصیده‌سازی؛ سرایان می‌دانند. انوری بیشتر از ابوالفرج رونی تقلید می‌کرده و نظیر قصاید او بسیار سروده، ولی سبک شعری انوری بسیار کامل‌تر و پر مغزتر و آمیخته به اطلاعات علمی است. [۱۲]

هجویات انوری در پاره‌ای از قطعات و همچنین در مثنوی کوتاهی که دارد به بدگویی اشخاص پرداخته است. ناگفته نماند که هجوگویی و مطایبه در آن زمان خود وسیله‌ی تفریح خاطر و دور کردن اندوه و ملال از مردمان بوده است، و پادشاهان و امرا، شعرا را به این امر تشویق می‌کردند و گرفتگی حال خود را به این راه از خاطر دور می‌کردند. کمتر شاعر مدیحه‌سراست که گرد هجو نگشته باشد، با این وجود بعضی‌ها متانت و نزاکت را حفظ کرده‌اند و کمتر در اشعار آنها الفاظ قبیح و زشت آمده است و بعضی دیگر هم بی‌پروا به فحش و دشنام و الفاظ زشت پرداخته‌اند. انوری هم مانند دیگر شعرای آن روزگار رسمی در پیش گرفته بود و شیوه‌ی او آن بود که ابتدا شخصی را می‌ستود، اگر دریافت صله و پاداشی از او نمی‌دید به قطعه‌ای دیگر او را تهدید می‌کرد و این کار را تا جایی ادامه می‌داد تا دست‌مزدش را از آنان بگیرد. (این مطلب لازم به‌شاید؛ ذکر است که هجوهای انوری فقط در بعضی از قطعات و مثنوی‌های اوست و قصاید و غزلیات او از الفاظ زشت و رکیک خالی و مبرا است.) [۱۳]

وفات انوری تاریخ دقیق وفات انوری هنوز مشخص نشده است ولی بنا بر گفته دولت‌شاه سمرقندی در سال ۵۴۷ هجری قمری در بلخ دانسته شده است؛ همچنین او گفته است که قبر انوری در بلخ در کنار مزار سلطان‌احمد خضرویه (یکی از سلاطین آن روز در ایران) است. [۱۴]

نمونه‌ای از قصیده‌ی انوری:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر
نامه‌ی اهل خراسان ببر خاقان بر
نامه‌ای مطلع آن رنج تن و آفت جان
نامه‌ای مقطع آن درد دل و سوز جگر
نامه‌ای بر رقص آه عزیزان پیدا
نامه‌ای در شکنش خون شهیدان مضمهر
نقش تحریرش از سینه‌ی مظلومان خشک
سطر عنوانش از دیده‌ی محرومان تر [۱۵]

آثار انوری

۱/ بشارت‌ها؛ الاشارات، در شرح اشارات شیخ‌الرئیس ابن‌شاینه؛ سینا که در منطق و حکمت نوشته است.
۲/ عبون‌الحکمه، که کتاب مختصریست در حکمت، مشتمل بر علوم منطق و طبیعی و الهی.
۳/ کتاب تهافت، که این کتاب از جمله مصنفات امام‌محمد غزالی است. انوری علاوه بر دیوان شعری دارای آثار دیگری بوده که نسخه‌های آن‌ها از میان رفته است. و اثری از آن‌ها باقی نیست. [۱۶]

- [۱] . مدرس رضوی، محمدتقی؛ دیوان انوری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، چهارم، ص ۱۵
- [۲] . صفا، ذبیح الله؛ تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۱، یازدهم، جلد دوم، ص ۱۷
- [۳] . شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ مفلس کیمیا فروش، تهران، سخن، ۱۳۷۴، دوم، ص ۳۵
- [۴] . شفیعی کدکنی؛ پیشین، ص ۳۵
- [۵] . صفا؛ پیشین، ص ۶۵۶، ۶۵۷
- [۶] . مدرس رضوی؛ پیشین، ص ۱۱۷
- [۷] . شفیعی کدکنی؛ پیشین، ص ۳۲
- [۸] . شفیعی کدکنی؛ پیشین، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲
- [۹] . شفیعی کدکنی؛ پیشین، ص ۳۳
- [۱۰] . نفیسی، سعید؛ دیوان انوری، تهران، نگاه، ۱۳۷۶، اول، ص ۵۹
- [۱۱] . صفا؛ پیشین، صص ۶۶۷، ۶۶۸
- [۱۲] . مدرس رضوی، محمدتقی؛ دیوان انوری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۴، جلد اول، سوم، ص ۱۰۱
- [۱۳] . مدرس رضوی؛ پیشین، صص ۱۱۹، ۱۲۰
- [۱۴] . صفا؛ پیشین، ص ۶۶۳
- [۱۵] . شفیعی کدکنی؛ پیشین، ص ۱۴۲
- [۱۶] . مدرس shy&؛ رضوی؛ پیشین، جلد دوم، ص